

فراخوان جشنواره «ماهور» منتشر شد

سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران در آستانه فرارسیدن ماه مبارک رمضان، در نظر دارد جشنواره «ماهور» نخستین مسابقه «سرخوانی ایرانیان» را با مشارکت انجمن موسیقی ایران برگزار کند. سیدمحسن حسینی، دبیر جشنواره «ماهور» گفت: این جشنواره با هدف آشنایی و تقویت بخش مناجات خوانی در موسیقی مذهبی و آیینی در سه حوزه سرخوانی، مناجات خوانی و نیایش در آیینه اقوام طراحی

کرده‌ایم که هر شرکت‌کننده می‌تواند همزمان در هر سه حوزه شرکت‌کند.وی درخصوص شرایط ارسال آثارافزود:علاقه‌مندان می‌توانند تا ۱۰ فروردین ۱۴۰۲ به پرتال سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران به نشانی farhangsara.ir مراجعه کنند و حداکثر سه اثر خود در هر حوزه را در قالب فایل صوتی mp۳ یا wave دراین سامانه بارگذاری کنند. شرکت‌کنندگانی که از اشعار شاعران معاصر استفاده می‌کنند، می‌بایست رضایت‌نامه شاعر

را نیز در سامانه بارگذاری کنند. حسینی ادامه داد: همچنین دوستانی که امکان دسترسی به سایت را ندارند، می‌توانند آثار خود را در قالب لوح فشرده به دبیرخانه جشنواره به آدرس میدان ولیعصر(عج)، بلوار کشاورز، نیش خیابان دائمی، پلاک ۱، طبقه ۹، دفتر موسیقی سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران ارسال کنند. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۹۶۶۵۳۳۴ تماس بگیرند.

علی‌اکبر
عبد‌العلی‌زاده
معاون‌شورای‌سردبیری

محسن گلستانی هنرمند مجسمه‌ساز، اگرچه طول کارنامه هنری‌اش کوتاه است اما عرض و عمق آن بسیار است. هنرمندی که از ۴۰ سالگی به یکباره تصمیم گرفت کار مجسه‌سازی و حجاری را آغاز کند و آن‌قدر در تکنیک کار خود قوی شد که آثارش خیلی زود از جغرافیای ایران خارج شد و تا سازمان ملل متحد نیز پیش رفت. کوشک نخپگان در اتریش، بازآفرینی تخت جمشید در کیش و آثار متعدد دیگری که در حاشیه خلیج فارس خلق کرده، او را به یک چهره بین‌المللی هنر ایران تبدیل کرده‌است. گلستانی علاوه بر دست توانای هنری، اهل تفکر است و آگاهی. او عصاره انسانیت را در آگاهی می‌بیند و آگاهی را در شناخت مواهب فرهنگی ارزیابی می‌کند. در گفت‌وگوی پیش رو علاوه بر مرور آثار گلستانی، نقبی نیز به اندیشه‌های او زدیم و درباره انسان هنر و دین هم سخن رفت که شما را دعوت به خواندن آن می‌کنیم.

📌 گفت‌وگو را با راز حال خوب شروع کنیم...

وقتی شما حواس خود را جمع کنید، همه چیز درست می‌شود. همه بدبختی ما این است که یا حواس ما به گذشته مطوف است یا به آینده. در صورتی که زمان حال محور زندگی است؛ در کلام هم آدمی که حال ندارد، بی‌حال است. وقتی ذهنیت به گذشته یا آینده می‌رود، چون در این دو زمان کاری از دست شما برای تغییر برنمی‌آید، سیستم سلولی شما اذیت می‌شود. در واقع اگر به زندگی درست نگاه نکنیم در دو عدم و در شرایطی زندگی می‌کنیم که حال خود را از دست می‌دهیم. فرمول خوشبختی این است که اگر آدم هرکاری می‌کند و در آن قرار می‌گیرد، باید تمام حواش در حال و به انجام آن باشد.

📌 این دستور در ظاهر عارفانه است و در باطن محتوای سبک زندگی دارد...

جدا از عارفانه بودن، انسانی است. شیخ محمود شبستری بیت جالبی در این رابطه دارد و می‌گوید: «جهان انسان شد و انسان جهانی / از این پاکیزه‌تر نبود بیانی». در حقیقت من اصلاً مجسمه‌ساز نبودم. وقتی مجسمه‌سازی را شروع کردم، پیش خودم گفتم چه کارهایی بldم و بعد نشستم نامه‌ای نوشتم که خوشنویسی و گچ‌کاری و ... بldم و در آن نامه به خدا گفتم اگر قرار است مسیری که در آن قدم می‌گذارم اشتباه باشد، قلم پای من را بشکن! معتقدم انسان خیر خودش را از خدا بخواهد و صد البته به اندازه توانایی‌هایش بخواد. ژان پل سارتر می‌گوید: «آدم ها تبدیل به شغل‌شان می‌شوند» یعنی در شغل خود حل می‌شوند و دیگر خودشان نیستند. مدتی برای کار می‌رفتم و متوجه شدم بی‌عاری بیشتر از بیکاری شده‌است و خیلی افراد دوست ندارند اصلاً کار کنند.

📌 گفته می‌شود مواظلب باش چه چیزی آرزو می‌کنی. ممکن است برآورده شود و زمانی که به آن برسی. متوجه می‌شوی عجب آرزوی غلط و پرهزحمتی داشتی. کوبی امروز بیشتر م‌ها تبدیل به آرزوی‌های جعلی خود شده‌اند.

فیلم «جایزه» با بازی علی نصیریان ماجرای یک کارمند آموزش و پرورش به نام احمد است که برنده یک هوالیمای دوموتوره می‌شود. به این دلیل که انتقال هوالیما به محل زندگی او ناممکن است، با خانواده‌اش به تهران می‌آید. ولی خرج زندگی و هزینه نگهداری هوالیما برایش زیاد است و مجبور می‌شود با خانواده‌اش تن به بازی در فیلم‌های تبلیغاتی بدهد و درگیر ماجرای دیگری می‌شود. همه این قصه‌ها سمپلیک است، اما آیام‌ن به عنوان بیننده، عبرت می‌گیرم؟ ... همیشه می‌گویم که خدا یا به من فلان مقدار پول بدهی، دیگر کار نمی‌کنم، درحالی که اصلاً نباید پول را معیار زندگی کردن خود قرار دهیم، بلکه باید آرامش را معیار خود قرار دهیم. باز برمی‌گردیم به این نکته که زندگی بین دو عدم گذشته، حال است و آدمی که حال ندارد، چیست؟ از قدیم گفته‌اند بی‌حال است. این جمله برخی عرفاست که کسانی در گذشته زندگی می‌کنند، در گذشته‌اند و آنان که نگران آینده‌اند، نگران «آن» هستند.

📌 پس رسیدیم به این‌که شما از ۴۰ سالگی با ساخت تندیس و مجسمه، کار خودتان را شروع کردید.

۴۰ سالگی آن نامه را نوشتم، من کار اداری داشتم. پیش خودم گفتم در نهایت ممکن است رئیس این اداره شوم و به من یک خانه بدهند اما این با مزاج و طبع من جور

در نمی‌آید. پس از سه سال به سمت معاونت بازرگانی رسیدم و متأسفانه شرکت ورشکست و واگذار شد و می‌خواستند بدون تحقیق امور را بچرخانند، با رئیس اداره موضوعی را در میان گذاشتم و گفتم کسانی‌که اینجا را در دست داشتند، قبل از انقلاب بررسی کرده‌بودند که یک‌یک تمام مدارس آموزش و پرورش را تأمین کنند و بودجه آن را از آموزش و پرورش می‌گرفتند. الان شماروی ۳۰۰۰ کارتن یک‌یک تولید می‌کنید که نمی‌توانید به سوپرمارکت بفروشید. مگر در هر محله چقدر یک‌یک می‌خورند؟... بنابراین مقداری از آنها خراب و خشک می‌شود و شما ضرر می‌کردید. من به دلیل این‌که معاون بازرگانی بودم و از وضعیت بازار خبر داشتم، پیشنهاد دادم که آنجا تبدیل به کارگاه مجسمه‌سازی شود یا این‌که نخود و لوبیا بسته‌بندی کنند؛ وقتی قبول نکردند، استعفا دادم و ۱۲۰ هزار تومان دریافت کردم و به اهل خانه دادم و گفتم سه ماه با من کار نداشته باشید.

📌 چه سالی بود؟

حدود سال ۷۵ بود و حقوق من ماهی ۴۵ هزار تومان بود. یکی از دوستانم تماس گرفت که دانشگاه تهران یک دوره مجسمه‌سازی آزاد گذاشته‌است، بیا و منم با اشتیاق سرکلاس استاد حمید رضایی رفتم. خانمی یک لیوان روی میز گذاشت و گفت از این نقاشی بکش، من هم نقاشی کردن و سایه زدن را دوست داشتم و کارم را انجام دادم. شنیدم استاد از اتاق دیگری می‌گفت که این مربوط به چه کسی است؟... گفت کارت خوب است و بقیه به حد نصاب نمی‌رسند تا جلسه دیگری را تشکیل دهیم. بعد از ۱۵ روز تمام واجدان شرایط را صدا کردند و من هم جزو آنها بودم و کار مجسمه‌سازی را در دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران شروع کردم.

هر طرحی به من می‌گفتند، می‌زد. کارم را با شاخه کلاسیک و با صورت پیغمبر شروع کردم که منسوب به نقاش نصرانی بود. خیلی از آن خوشم می‌آمد و دوست داشتم تبدیل به اثر حجمی شود. در آن زمان بهزاد نبوی وزیر صنایع بود و می‌خواستیم مجوز بگیریم و ما این مجسمه را با حدود ۲۵۰ تومان که رقم زیادی بود، ساختیم و کسی که به من سفارش داده‌بود، مجسمه را دو میلیون تومان فروخت. حدود ۱۱ روز، هشت ساعت کار کردم و باعث شد ابزار کارم را به‌خوبی بشناسم. گچ‌کاری هم در دانشگاه انجام می‌دادم. آن زمان می‌گفتند تو بیشتر از این‌که شهریه بدهی، از مصالح استفاده کردی. بعد از گذشت هفت ماه، توانستم مدرک درجه یک به‌دست بیاورم و در این میان با هر فرمولی که جلو می‌رفتم به خودم می‌گفتم هر جمله‌ای که بگویند برابرم نقشه‌گنج محسوب می‌شود.

📌 برای اولین بار در تجربه هتل داریوش کیش طرح‌های عظیم از تخت جمشید را بازآفرینی کردید، این تجربه چه آورده‌ای داشت؟

من دیدم که فرهنگ شیعه را خیلی تخریب می‌کنند، در حالی‌که شیعه یک جهان‌بینی است که در ایران و تخت جمشید قابل رؤیت است. برای همین روی این موضوع متمرکز شد. زیرا بحث تکامل از انسان تا آدم کامل در سیر ساخت‌وسازهای تخت جمشید وجود دارد.

📌 پس می‌شود در هنر حجاری و حجم‌سازی علاوه بر محتوا، معنی را هم منتقل کنیم. سؤال این است که شما به‌عنوان محسن گلستانی در گستره وسیعی که در آن کار می‌کنید، با این نگاه اثر خلق می‌کنید؟

اصل این اتفاق نیفتاده که معنا را در آثاری که کار کردم، در نظر نگیرم. به‌عنوان مثال، دو تا حرم کار کردیم که یکی مربوط به علی‌این‌مظاهر در کرلا همراه با سنگ‌های آن بود. من تمام این نقوش موجود در انگشت‌ها را به‌صورت یک نگین بزرگ استیل کار کردم و وراثان مجموعه‌ای از انگشت‌ها را در این نقوش می‌بینند. طرح آن را استاد عباسی‌که خداوند

رحمتش کند، داد و ما آن را تبدیل به حجم کردیم. به‌طور کلی اگر امکان انتقال معنی در آثار حجاری وجود نداشته‌باشد، حمالی است. 📌 تمام اینها مثل مفهوم انسان کامل در تخت جمشید قابل رمزگشایی است؟

نه، من معمولاً در کارهایم آدرس نمی‌گذارم. کار ما برحسب سفارش کارفرماست، مگر این‌که کاری را بخواهم برای دوسالانه بسازم یا در سمپوزیوم شرکت کنم. چند نمونه از این آثار را در طرح‌زده‌ام که هنوز آن را برپوژ ندادم. به‌عنوان مثال، مجسمه‌های هتل داریوش کیش را سفارش دادند و سعی کردم در طراحی نماده‌ها را در جایگاه‌های خود قرار دهم.

📌 فکر کنم این اولین اتفاق حجمی با این دایره وسیع کاری است؟

طراحی‌ها در مترو سرد است، چون ما می‌خواهیم از آلمان الگوبرداری کنیم، آثار بسیار بی‌روح، خشک و صنعتی بدون هیچ‌گونه معماری ایرانی است. ما رنگ‌های طوسی و سردی که در مترو به کار رفته را برای بهشت‌زهره و غسالخانه استفاده می‌کنیم! درواقع مصالح مترو همان مصالح است اما می‌توانیم با نهایت زیبایی کار کنیم. درواقع محیط مترو یک فرصت ارتباطی و آگاهی‌بخشی دارد اما از آن استفاده برعکس و ضدفرهنگی شده و برای پیشبرد اهداف فرهنگی نبوده‌است.

📌 واقعا جماعتی که سعی دارند از اثر اقتباسی هنرمند غربی از عناصر شرقی دوباره برای انجام کارهای خود الهام بگیرند، شگفت‌انگیزند! به‌ما یگوید شما به‌عنوان یک ایرانی در جایگاهی هستی که در روزگاری دور با ابزار حجاری دستی، خلق چنین آثار درخشانی را مدیریت کرده‌اید و حالا امروز در هر شغل و سمتی که قرار گرفته‌اید، لازم است آن کار را با چنین دقت و کیفیتی انجام دهید. به نظرم لازم است که از ارزش فرهنگی را ترویج کنیم. می‌دانیم که به معنا در ساخت کارهای خود باید اهمیت دهیم اما می‌دانیم بسیاری از هنرمندان این بینش، نگاه و مطالعه را ندارند و در حوزه تجسمی خاصه آثار حجمی بیشتر مروج «هنر برای هنر» هستند و چندان دنبال انتقال معنا نیستند.

به عبارتی انگار از آن طرف بوم افتاده‌ایم. این شبیه آثار درون متروهای

روایت محسن گلستانی از سال‌ها

فتح ۵۰ متر از خاک اتریش

هر ایرانی لوح فشرده پر از ک



تهران است که سردانگاری غرب را بازنمایی می‌کنند، درحالی‌که خارجی‌ها دنبال هنرهای کلاسیک ما هستند و بررسی می‌کنند نقوش کارشده در تخت جمشید یا اصفهان و ... چیست. همزمان هنرمند ما دنبال هنرهای دفرمه پیکاسو و برانکوژی است. جالب‌تر این‌که وقتی کارهای برانکوژی را ریشه‌یابی می‌کنیم، می‌بینیم گردنبند طراحی‌شده برانکوژی نقوش سوخته زنگورات چغانزبیل است؛ یعنی یک گردنبند کوچک در قالب یک مکعب. همراه با خطوط را برانکوژی بزرگ و در یکی از میادین پیاده کرده‌است. در جایی دیگر هنری مور یکی از گل‌های ما را برای کار خودش اقتباس کرده‌است. البته هنرمندان ایرانی بسیاری هم داریم که به فرهنگ ایرانی رجوع می‌کنند. مثلاً میدان آزادی تهران یک تکه از اجرای هنر مفرنس است که با این بزرگی و خوبی طراحی شده‌است.

📌 منظور از سردانگاری داخل مترو چیست؟

طراحی‌ها در مترو سرد است، چون ما می‌خواهیم از آلمان الگوبرداری کنیم، آثار بسیار بی‌روح، خشک و صنعتی بدون هیچ‌گونه معماری ایرانی است. ما رنگ‌های طوسی و سردی که در مترو به کار رفته را برای بهشت‌زهره و غسالخانه استفاده می‌کنیم! درواقع مصالح مترو همان مصالح است اما می‌توانیم با نهایت زیبایی کار کنیم. درواقع محیط مترو یک فرصت ارتباطی و آگاهی‌بخشی دارد اما از آن استفاده برعکس و ضدفرهنگی شده و برای پیشبرد اهداف فرهنگی نبوده‌است.

📌 واقعا جماعتی که سعی دارند از اثر اقتباسی هنرمند غربی از عناصر شرقی دوباره برای انجام کارهای خود الهام بگیرند، شگفت‌انگیزند!

به‌ما یاتولوکوتلیو، داستان‌های مولوی را در قالب کتاب‌های خودش آورده، به‌همین دلیل به شما که اهل قلم هستید می‌گویم کتابی تدوین کنید که این نکات را مثل وصایای پدر به پسر ارائه کند.

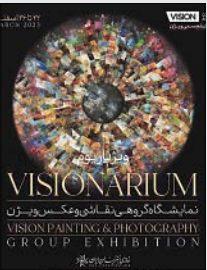
📌 می‌دانیم که کار گرافیت و مجسمه‌ساز معمولاً مبتنی بر سفارش است اما هوشمندی هنرمند در این است که جهان‌بینی خود را نیز لحاظ کند؟

بله، همین‌طور است. وقتی طراحی مقبره شهدا را سفارش می‌دهند، سعی می‌کنم فرهنگ مستتر در ایرانی – اسلامی را در آن پیاده کنم. به‌عنوان مثال، وسط مقبره شهدا یک کره نورانی فیروزه‌ای می‌گذارم تا این پیام را منتقل کنم که شهیدان دنبال نور الهی

نمایش

نمایش آثار بیش از ۱۰۰ نقاش و عکاس

پلتفرم ویژن (پلتفرم هنرهای تجسمی ایران) با در اختیارگرفتن تمامی سالن‌های خانه هنرمندان ایران از ۲۲ تا ۲۶ اسفند، نمایشگاه «ویژن‌اریوم» را برگزار می‌کند. تمرکز اصلی این نمایشگاه



بر هنرهای تجسمی در شاخه‌های نقاشی و عکاسی است. در این نمایشگاه آثار بیش از یکصد هنرمند نقاش و عکاس ایرانی به نمایش و فروش گذاشته خواهد شد. افتتاحیه نمایشگاه امروز دوشنبه (۲۲ اسفند) ساعت ۱۷ در خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد و نمایشگاه تا روز جمعه (۲۶ اسفند) همه‌روژه از ساعت ۱۲ تا ۲۰ ادامه خواهد داشت و در صورت تمدید اطلاع‌رسانی خواهد شد. در این نمایشگاه آثار روزبه فرجی، ابوسعید اسدی، افسانه ریاضی، الهام قربانی‌شاد، امیرنصر کم‌گویان، الاله امینی، بنیامین توکل، بهرام غنچه‌پور، بهروز مجیدی، پارسا حسین پور، پریا فرخی، تانیا پاک‌زاد، جاوید تقضلی، جاوید عندلیب، حامد نوروزی، حسین علی‌ذابیچی، خسرو حسن‌زاده، داوود زندیان، داوود طیموج، راحیل قوامی و ... به نمایش گذاشته می‌شود.

پویش

برگزاری پویش «پنج گنج»

دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور از برگزاری پویش «پنج گنج» به منظور آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با حکیم نظامی خبر داد.

سیدمجید امامی، دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور با اشاره به آغاز بزرگداشت هفته بزرگداشت حکیم نظامی‌گنجوی گفت: نظامی قطعاً یکی از پنج‌ستاره بزرگ ادبیات‌کهن فارسی است؛ ادبیاتی که پشتیبان اصلی در پیوند دادن ادوار مختلف تاریخ به یکدیگر بوده است.

دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور از برگزاری پویش «پنج‌گنج» در میان دانش‌آموزان به منظور آشنایی بیشتر آنها با نظامی خبر داد و گفت: این پویش که از امروز کار خود را آغاز می‌کند، تا پایان اسفند برقرار خواهد بود. دانش‌آموزان می‌توانند از دو طریق آثار خود از نظامی‌خوانی را به‌دیرخانه پویش ارسال کنند.

وی با بیان این که دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی اول و دوم می‌توانند در این پویش شرکت کنند، یادآور شد: علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را از طریق سامانه شاد یا پیام‌رسان‌های بله و اپتابه شماره ۰۹۳۳۲۵۱۵۸۸ ارسال کنند. آثار می‌تواند در قالب صوت و تصویر باشد و دانش‌آموزان می‌توانند در آن چند بیت از آثار نظامی را دکلمه کنند.



مشک نمادین حضرت ابوالفضل (ع)

تندیس مشک نمادین حضرت

ابوالفضل (ع) یکی از آثار ماندگار

محسن گلستانی است که سال ۹۰ در

مجموعه تاریخی - فرهنگی سعدآباد

پرده‌برداری شد. وزن این اثر هنری

که با توجه به حادثه کرپلا طراحی

شده یک تن است و دارای سه متر

و ۳۰ سانتی متر ارتفاع است.

کاسه پایینی این-مشک شامل

حوضی با ۱۲ پر است که هر یک به

نام یکی از ائمه مزین شده و درهر

بخش کلمه ... و السلام علیک

یااباعباد...الحسین حک شده است و

در قسمت بالایی آن شش فرشته کار

شده که در حال حمل مشک هستند.

قاب

